

دانشنامه مهندسی در ایران

دومین نشست علمی و تخصصی پاییز ۱۳۹۸

مکان برگزاری: مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن

زمان: یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸

عنوان سخنرانی: جایگاه قلعه‌ها در تاریخ مهندسی ایران

سخنرانان: دکتر حمیده چوبک، دکتر ژان کلود ووازن و دکتر محمدرضا اولیا

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها

دکتر محمدرضا اولیا

به نام مقدس خداوند به نام یا حفیظ

وقتی از قلعه صحبت می‌کنیم با توجه به نمونه‌هایی که من در استان یزد سراغ دارم و توسط مردم ساخته شده و وجهه مردمی دارد، پیش از آنکه وجهه حکومتی داشته باشد. به اعتقاد بنده قلعه نمادی است از اولاً فرهنگ دفاع و در عین حال نمادی است از فرهنگ (محافظت) حفاظت، بنابراین پیوندی که بین شکل و مضمون قلعه می‌تواند وجود داشته باشد و ردیابی شود می‌تواند قابل توجه و تأمل باشد.

به عبارتی ما می‌توانیم به قلعه به لحاظ شکل بپردازیم که ارزش‌های خاص خود را دارد و در عین حال می‌توانیم به لحاظ مضمون نگاه کنیم با این تصور که شکل دفاع که متأثر است از نوع حمله می‌تواند تغییر کند. اما مضمون دفاع یا به تعبیری بالاتر حفاظت آن امری ثابت است و این شاید از مهم‌ترین درس‌هایی باشد که ما می‌توانیم از رهگذر مطالعه معماری دفاع ایران و جهان یاد بگیریم.

بنابراین یک رفت و برگشتی بین شکل و مضمون دارند که هم مهم است که به جنبه شکلش بپردازیم و به‌طور مشخص به عنوان مثال چون رویکرد این جلسات از منظر مهندسی است ما قلعه‌ای را در غرب آلوئیز مهریز پیدا کردیم که این پلان‌ش مثلث‌شکل بود.

برخلاف انواع رایجی که در جاهای دیگری می‌بینیم. صحبت سال ۶۳ بود که من در سازمان میراث فرهنگی کار می‌کردم. این یا حفیظ که عرض کردم به‌عنوان یکی از اسماء جلال، یکی از نام‌های خداوند است که در زیر ایوان مسجد جامع یزد نگاشته شده است، کمی حاشیه می‌روم و برمی‌گردم. روزی آقای آهارا سفیر ژاپن در ایران مهمان ما بودند و رئیس دانشگاه یزد آقای دکتر شایع به من مأموریت دادند که مسجد جامع یزد را به ایشان معرفی کنم.

پس از معرفی کلی مسجد در ادامه مسیر آمدیم زیر ایوان مسجد جامع؛ همان جایی که کتیبه وجود دارد در زیر سقف نگاشته شده که ۹۹ اسم از اسماء الهی است. وقتی توضیح می‌دادم که این گونه‌گویی اسماء علی‌رغم تنوع چگونه در یک هندسه واحد نقش بسته - خوشبختانه آقای آهارا در گذشته سفیر ژاپن در عربستان سعودی و پیشتر با زبان عربی هم آشنا بودند و این کلماتی را که من توضیح می‌دادم با دقت دنبال می‌کردند و من برگشتم به زیر نقشی که ما در کتیبه‌های کوفی معقری داریم که این ظرفیت را فراهم می‌کند که با یک زیرنقش ثابت بتوانیم نقوش مختلف و متنوعی را تولید کنیم.

این زیرنقش حرف مهمی است و کلمه‌ای را هم که نمایندگی می‌کند آن هم مهم است. بیشتر از این زاویه می‌نگرم که وقتی ظرفیت این زیرنقش را توضیح دادم، آقای آهارا گفتند پس اینکه ما در الکترونیک به کار می‌گیریم از شما گرفتیم. این برای من جالب بود و البته ایشان لطف کردند و یک ساعت سیکو به من هدیه دادند و یک روز هم اضافه وقت گذاشتند که خیلی مشتاقانه و با دقت و توجه خاصی مطالب را دنبال می‌کردند. یکی از نادرترین افرادی را که می‌شناسم این بزرگوار بودند. یک زیرنقشی است که شما وقتی در ژیمنازی به آن نگاه می‌کنید Seven segment هندسه‌ای را تعریف می‌کند که براساس یک هندسه واحد از عدد ۱ تا ۹ می‌تواند برای خودش بپذیرد، ۷ تا پاره مثل ۸ انگلیسی که بخشی که هر وقت و هر جا لازم باشد بخشی از یکی از عناصر هفت‌گانه آن لازم می‌شود.

پیوند ایشان برای من خیلی جالب بود مهندسان الکترونیک ما نیز باید با تاریخ مهندسی در کشورشان آشنا شوند و اگر این آشنایی نباشد در برابر تحولات تاریخی که امروز رخ می‌دهد هک می‌شوند در برابر تحولات تکنولوژیکی که امروزه دارد رخ می‌دهد؛ اگر ما آن عقبه و پیشینه را دانستیم یک آدم می‌شویم و اگر ندانستیم یک آدم دیگر می‌شویم و این می‌تواند از خودباختگی ما تا حدودی پیشگیری کند.

به هر حال رشد فزاینده تکنولوژی بر همگان آشکار است. بعضی وقت‌ها آدم احساس حقارت می‌کند و اگر ما آن عقبه‌ها و آن دانش و آن علوم و آن فنون را به خصوص ارتباط و همبستگی اینها با هم را پیدا کنیم این می‌تواند مانع آن خودباختگی شود من آن را برای اینکه در یک کلمه بتوانم تعریف کنم.

هدف: هنر، دانش، فن بنابراین سعی می‌کنم از نگاه تجزیه‌گرایانه نسبت به این مقوله بتوانیم خودداری کنیم چون ما به راحتی براساس علوم و فنون امروزی ممکن است دچار این مشکل بشویم که به هر حال با بخشی از مجموعه معارفی که در این‌گونه آثار وجود دارد آشنا بشویم و کمتر از منظر دیگری، من یک نمونه را مشخص می‌کنم. دانستن تاریخ مهندسی برای مهندسان امروز ما و نیز برای معماران، مهندسان عمران و شهرسازان، بلکه برای رشته‌هایی نظیر الکترونیک هم لازم است و این مهم است که ما با چه دوزی این‌گونه معلومات تاریخ مهندسی را به چه کسی می‌خواهیم بگوییم. چون اگر خیلی غلیظ باشد دفع می‌کند و اگر متناسب نباشد با آن مخاطب ممکن است تأثیر منفی داشته باشد. اگر ندانیم که فایده خوانش یا بازخوانش تاریخ مهندسی ما چیست خیلی حیف است و باید این تدوین شود و با دقت گفته شود چه فایده‌ای دارد و ما به چه دلیل باید این را انجام دهیم. به عبارتی می‌خواهم بگویم میراث معماری ما که در واقع میراث آبادانی ما هم است، باید مبنای توسعه هم باشد؛ یعنی آن عقبه یک فونداسیون فکری، علمی، فرهنگی، فنی است که ما بر آن اساس می‌توانیم بنای آینده را طراحی کنیم (عکسش مهم است) که اگر این‌گونه معلومات در اختیار آن نباشد و اگر آگاه نباشیم به این شالوده علمی، فرهنگی، فنی، تربیتی طبعاً آنچه را که به‌عنوان لغت توسعه ترجمه، یعنی از واژه به معنای توسعه اینگونه توسعه بی‌پایه خواهد بود؛ بنابراین اگر به دنبال توسعه پایدار هستیم نه به معنای پایداری که مد شده، بلکه به معنای پایدار بودن یک تمدن می‌توانیم فکر کنیم.

سابقه من در قلعه‌شناسی مانند خانم دکتر چوبک نیست و همچنین جناب آقای دکتر ژان کلود، رفتم سراغ لغت‌نامه دهخدا البته در مورد خود واژه قلعه به اندازه یکی دو سطر توضیح نداشت، اما آنچه برایم جالب بود این بود که حدود ۷۰۰ آبادی به‌نحوی نامشان با قلعه عجین است و سعی کردم بشمارم که حدود ۷۰۰ آبادی است؛ دهی است در خراسان، دهی در فارس که پسوند و پیشوند قلعه را با خودش حمل می‌کند.

می‌خواهم بگویم وقتی ما به آبادی مقیاس خرد (روستا) و کلان (شهرها) باشد فکر می‌کنیم نمی‌توانیم در مورد نظام دفاعیش فکر نکنیم. همان طوری که نظام - نظام تولید - نظام جابه‌جایی همان‌طور که نظام دفاعی، نظام آمدوشد و نظام‌های دیگر که ما

بتوانیم در شکل ساخت‌وسازها ببینیم.

نمی‌توانیم دربارهٔ نظام دفاعیش فکر نکنیم همان‌طور که نظام دفاعی دارد نمایندگی می‌کند دیگر نظامات سنتی ما را نظام تولید - نظام جابه‌جایی - نظام مصرف - نظام تعلیم و تربیت - نظام آمدوشد هست. نظامات دیگر انعکاس اینها را ما در شکل ساخت‌وسازها می‌بینیم.

نمی‌توانیم تجزیه کنیم و فقط به کالبد و به بقیه وجوه احتمالاً پنهانش کمتر توجه داشته باشیم من چون خیلی وقت ندارم مجبورم خیلی گذرا صحبت کنم. به دلیل ۳۰ تا ۴۰ سال اصطلاح‌شناسی معماری سنتی تأملاتی داشتیم و خوشبختانه دارم. به هر حال سرگرمی در مملکت می‌تواند چیزهای مختلفی باشد ما هم سرگرم چنین کارهایی هستیم. یکی از مشهورترین واژه‌هایی که ما در مورد معماری داریم اتاق است. حدود یک ماه پیش در قلعهٔ جندق یک شب اقامت کردم و یک شب هم بعد از بازگشت. من تعریفی از اتاق داشتیم و ما در یک خانه‌ای اقامت گزیدیم که در کل ۱۰ اتاق داشت و کل تعاریف پیشین من از اتاق به هم ریخت. یعنی می‌خواهم بگویم که فایدهٔ قرائت منابع مصنوع این است که شما به منابع مکتوب می‌پردازید در منابع مکتوب ذهن ما هدایت می‌شود به سمت کانال ذهنی که محقق پیشین کار کرده و یکی از خطرناک‌ترین کارهایی که ممکن است در تحقیق انجام گیرد، لیتریچرینگ است که امروزه در دانشگاه‌های ما دستور داده می‌شود که این کار صورت گیرد.

به عبارتی محققان جوان ما آنالیزه می‌شود. ذهنش به مسائل و تحقیقات پیشین می‌رود و از نوآوری محروم می‌شود در حالی که من تصور می‌کنم لیتریچرینگ باید در آخر تحقیق انجام گیرد، نه اول که خودت بروی اثر را ببینی و خودت بخوانی و دربارهٔ آن داوری کنی حالا غلط یا درست بعداً معلوم می‌شود و می‌شود به آن پرداخت و اینکه ما حق داشته باشیم خودمان وقتی مواجه می‌شویم با اثر به خواندنش بپردازیم این دارای اهمیت است و این‌را می‌خواهم بگویم که وقتی در فضای معماری تاریخی خود قرار می‌گیریم و مستقیماً تجربه‌اش می‌کنیم به ادراکی می‌رسیم که لزوماً با ادراکات پیشینی که دیگران داشتند یگانه نیست و این نشان می‌دهد که تعریف در اصطلاح‌شناسی یک فرایند است؛ یک فرایند مبارک؛ چرا که به خاطر اینکه عرف را در پی دارد یک پروژه نیست، یک پروسه است و خیلی خطرناک است که ما این‌گونه شناخت را می‌خواهیم محدود کنیم.

خیلی خطرناک است. این وادی مبارک همواره همیشه می‌تواند ادامه داشته باشد. بنابراین اگر ما ۳۰ تا ۴۰ سال در اصطلاح‌شناسی معماری سنتی کار می‌کنیم نباید تعجب کنیم که ناگهان تعریف ما از برج از بارو از دندان‌موشی و از تیرکش و خندق و دیگر عناصر تشکیل‌دهندهٔ قلعه به یکباره متحول شود؛ یعنی آن معلومات اولیه که ما در واقع به آن نائل می‌شویم محرکی خواهد بود که ما را به شناخت جدید و جدیدتری سوق می‌دهد که هم عرضه می‌شود، هم تصحیح می‌شود و هم تکمیل می‌شود. بنابراین خود تعریف که قبلاً می‌گفتیم لزوماً مقداری چالش‌برانگیز می‌شود و وادی دیگری را در پی خواهد داشت. من لغتی را که در ابتدا بیان کردم تکرار می‌کنم. این یا حفیظ و کلمهٔ الله حصنی کلمهٔ الله حصن و حصن حصار و حصار هم که دارد محصور می‌کند یک عنصر حفاظتی است من از این جهت روی این درنگ می‌کنم که خیال می‌کنم الگوی اولیهٔ شکل‌گیری قلعه‌ها حصن بوده باشد فکر می‌کنم. مطمئن نیستم حصن که مدتی نمی‌دانستم چه‌جوری نوشته می‌شود، زیرا اینها از منابع شفاهی شدیداً بودند. یک حصار بسیار ساده‌اش نوعاً از چین هر چیزی که هست مثلاً سنگ خشک‌شده چینی باشد که گوسفندها را در آن محفوظ می‌کند از حملهٔ گرگ بعضاً روی شاخه‌های خشکیدهٔ درخت‌ها می‌ریزند که از بالا حمله صورت نگیرد و ضمناً سایه‌بان هم باشد به عبارتی حصن یک طویلهٔ باز است یک طویلهٔ باز که در تابستان هم استفاده می‌شود و دام باید مدتی در آفتاب و مدتی هم در سایه باشد. این رفت و برگشتی که دارد جزء فضای مکمل نگهداری گوسفندان است و ما در معماری خانه‌ها هم همین ماجرا را داریم. حصار نقش حفاظتی خانه را بازی می‌کند و حفاظت مشخصی دارد تا از خانواده محافظت کند و قلعه محافظ آبادی می‌شود یعنی

از خانه‌های جمعی محافظت می‌کند و به همین دلیل جز لاینفکی از تاریخ آبادانی ما به حساب می‌آید. نکته این است که وقتی ما به تاریخ کشورمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم معماری حفاظتی یا محافظتی یا معماری دفاعی جزء لاینفک تولید آبادانی بوده است. این سؤال مطرح است که آیا معماری زمان ما مثل گذشته که قادر بود صورت مسائل را تشخیص دهد یا مسائل درهم‌تنیده را تشخیص دهد و برای آن راه حل ارائه دهد، آیا ما امروز قادر به تشخیص مسئله‌های حمله‌ای هستیم و آیا در برابر حل آنها به راه‌حل‌های اجرایی فکر کردیم یا فکر نکردیم. عرض را با یک قصه تمام می‌کنم. در جلسه‌ای حدود ۱۵ سال یا بیشتر خدمت سردار باقرزاده رئیس بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس بودیم. من اینجا شوخی یا جدی خدمت ایشان عرض کردم که حالا این را خیلی جدی نگیرید؛ خیال می‌کنم این دفاع مقدس یک ترجمه است از یک لغت بیگانه و خوب نیست ما نگاه ترجمه‌ای داشته باشیم و نفس دفاع مقدس است، چراکه خداوند این ویژگی را در وجود حیوانات هم گذاشته و در یکایک حیوانات هم غریزه دفاع نهفته است و فقط شکلش فرق می‌کند و چون خداوند این قدرت را در آنها هم گذاشته این هم امری مقدس است. می‌خواهم عرض کنم این وجه قدسی بودن این قضیه قابل تأمل است که هم جنبه عقلی دارد؛ زیرا گفته شده کل ما حکم بالعقل و کل ما حکم این تعامل و به علاوه تجربه طولانی بشر در نحوه تشخیص نوع حمله که تابعی است از پیشرفت‌هایی که دارد و تکنولوژی حمله و کیفیت حل آنها که ما بتوانیم به هر حال شرایط و مختصات تاریخ جغرافیایی امروز و زمان خودمان را بهتر بشناسیم.

ممنون به خاطر فرصتی که به من داده شد.